

سازندگی: روزنامه‌ی سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیر مسئول: سیدافضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راه، امیر اقلتی
مدیر هنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرن‌فر • حروف‌چین: مجتبی دیدگر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۴۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰

میلاد: متولدان امروز

درخشش با گاو

داریوش مهرجویی ۸۳ ساله شد

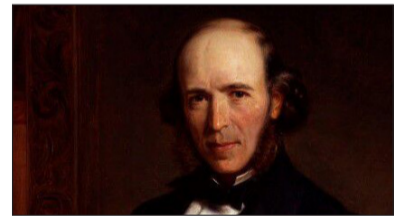


داریوش مهرجویی، کارگردان صاحب سبک، ۱۷ آذر ۱۳۱۸ در محله شاپور تهران به دنیا آمد. در نوجوانی به موسیقی علاقه‌مند شد و نزد پدرش که موسیقی ایرانی را خوب می‌شناسخت به نواختن سنتور پرداخت و بعد به موسیقی کلاسیک غربی آشنایا و به نواختن پیانو رو آورد. در ۱۷ سالگی به سینما علاقه‌مند شد و ۲۰ ساله بود که برای ادامه تحصیل به کالیفرنیا رفت. نخست به خواندن سینما رو آورد، اما خیلی زود سینما را رها کرد و به فلسفه پرداخت و در سال ۱۳۴۴ از دانشگاه یوسی‌ال‌ای در لس‌آنجلس لیسانس فلسفه گرفت. در همین سال سردبیری نشریه «پارس ریویو» را در لس‌آنجلس به‌عهده گرفت و سال بعد به تهران آمد. داریوش مهرجویی سال ۱۳۴۳ نخستین فیلم خود به نام «الماس ۳۳» را ساخت که فیلمی بسیار پرهزینه بود و ارکان کم‌رئوس آن شکستی تجاری محسوب می‌شد و توجه منتقدین را هم به خود جلب نکرد اما سال ۱۳۴۸ با هم‌کاری غلام‌حسین ساعدی، فیلم‌نامه «گاو» را نوشت و کارگردانی کرد. این فیلم برای مهرجویی و سینمای ایران جوایز متعددی را در جشن‌واره‌های بین‌المللی به ارمغان آورد. «گاو» هم از نظر تجاری هم از نظر هنری فیلم موفق‌تری از کار درآمد و فصل جدیدی در سینمای ایران گشود. براساس نتایج یک نظرسنجی در سال ۱۳۸۳، مهرجویی با آفریدن هفت شخصیت، بیش‌ترین شخصیت سینمایی ماندگار را در سینمای ایران خلق کرده و شخصیت «هامون» ماندگارترین شخصیت در تاریخ سینمای ایران دانسته شده است.

یاد: درگذشتگان امروز

فیلسوف خودآموز

تشبیه جامعه به اندام موجود زنده



هربرت اسپنسر، فیلسوف انگلیسی، ۲۷ آوریل ۱۸۲۰ در انگلستان به دنیا آمد و ۸ دسامبر ۱۹۰۳ درگذشت. از کودکی تحت تعلیمات پدر قرار گرفت و از علوم مختلف از جمله علوم طبیعی، فیزیک، شیمی و تشریح معلومی پراکنده آموخت و به همین جهت تحصیلات منظمی نداشت و معلومات فراوان خود را از راه تجربه و نتبغات شخصی به دست آورد. اسپنسر سال ۱۸۳۶ به استخدام شرکت راه‌آهن درآمد و در اوقات بی‌کاری به نگارش و خودآموزی می‌پرداخت و براساس همین استعداد و سفارش عمومی، توماس اسپنسر، در نشریه «اکونومیست» به کار مشغول شد. مرگ عمومی در سال ۱۸۵۱ و اثریهای که برای او به جا گذاشت، به آرزوی او جامعه عمل پوشاند؛ مشاغل خود را رها کرد و به عنوان نویسنده و محقق آزاد به پژوهش و تحقیق در زمینه علوم رایج زمان همت گماشت. از نوجوانی به بحث درباره مسائل سیاسی و دینی و فلسفی علاقه داشت و از مطالعات علوم طبیعی يك رشته تحول و تکامل برایش پیش آمد که تصمیم گرفت تصنیقاتی را به عنوان فلسفه تألیفی مبنی بر همان نظر تدوین کند. بنای فلسفه اسپنسر که هدفش تبیین پدیده‌های زندگی بود بر قوانین تکامل نهاده شده بود. اسپنسر به قیاس جامعه با ارگانسیم زیست‌شناختی مبتنی بر تشبیه جامعه به اندام موجود زنده باورمند است. او نقش متغیرهای محیطی را در سازمان‌دهی اجتماعی قبول داشت و بر این باور بود که آبرارگانیک (جامعه) و ارگانسیم (اندام موجود زنده) از ۶ جنبه مشابه یکدیگرند.



گزارش روز



روزی که دانش‌گاه‌پادگان شد

روایت ابراهیم یزدی از ۱۶ آذر ۱۳۳۲

شده بود و نظامیان همه جا را اشغال کرده بودند. شنبه عصر در دانش‌کده داروسازی، یکی از نظامیان به همراه یک کارآگاه شهربانی تظاهرات‌کنندگان را تعقیب کردند. دانش‌جویان با جنگ و گریز این دو نفر را به طبقه دوم کشاندند و در آن‌جا آن‌ها را محاصره کردند و بعد از زدن کتک فراوان، لباس‌های شان را درآوردند و رهایشان کردند. بعد از دفاعی نظامیان دانش‌کده را محاصره و عده زیادی از دانش‌جویان را بازداشت کردند.

یزدی سپس به فضای شدیداً امنیتی روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ اشاره می‌کند و می‌نویسد: «دوشنبه ۱۶ آذر از همان اول صبح وضعیت دگرگون بود. بر تعداد سربازان بیش از حد تصور افزوده شد. در دانش‌کده فنی اوضاع به کلی به هم ریخت. گروهبانی که برای دست‌گیری سه نفر از کسانی که صبح شعار داده بودند به سر کلاس درس می‌رود و با خشونت از استاد می‌خواهد که سه نفر نامبرده را تحویل دهد. استاد مربوطه

هفدهم آذر ۱۳۳۲، ریچارد نیکسون، معاون وقت رئیس‌جمهوری آمریکا به دانش‌گاه تهران آمد و در فضایی کاملاً امنیتی، دکترای افتخاری این دانش‌گاه را دریافت کرد. این نوعی دهن‌کجی به دانش‌جویان معترضی بود که روز قبل، ۳ شهید داده بودند؛ مصطفی بزرگنیا، احمد قندچی و مهدی شریعت‌رضوی.

ابراهیم یزدی، دبیر کل فقید نهضت آزادی ایران و از دانشجویان و فعالان سیاسی وقت در جلد نخست خاطراتش درباره ۱۶ آذر ۱۳۳۲ می‌نویسد: «از ۱۴ آذر تظاهراتی از کلاس‌های درس دانش‌گاه تهران در اعتراض به ورود نیکسون به تهران و برقراری ارتباط با انگلیس شروع شد. قرار بر این بود با نیروهای نظامی مواجه نشویم و دانش‌جویان دانش‌کده‌ها پس از بیرون آمدن از دانش‌کده، به هم پیوندند و در داخل دانش‌گاه تظاهرات ادامه پیدا کند. اگر مشکلی ایجاد نشد دسته‌جمعی از دانش‌گاه بیرون رویم، اما آن روز دانش‌گاه به یک پادگان نظامی تبدیل

قفسه

سلطان خاطر‌نویس

جلد اول روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار شامل یادداشت‌های روزانه او از محرم ۱۲۷۹ تا ربیع‌الاول ۱۲۸۳ است

سنت نگارش روزنامه وقایع یومیه یا به تعبیر امروزی خاطرات روزانه، طی دو قرن اخیر و ابتدا از طریق آشنایی رجال کشور با فرهنگ اروپایی به ایران راه یافته است. تعداد قابل توجهی از رجال دوره قاجار، وقایع روزانه خود را در قالب روزنامه یا کتاب خاطرات به رشته تحریر درآورده‌اند که از بین آن‌ها می‌توان به محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، عین‌السلطنه‌سالور و غلامعلی خان عزیرالسلطان (مخبرالسلطنه)، اما خاطرات روزانه ناصرالدین شاه از اهمیت خاص و ویژه‌تری برخوردار چرا که در میان پادشاهان قاجار، ناصرالدین شاه قاجار تنها پادشاهی است که بخشی از خاطراتش را ثبت کرده و با این کار سنت خاطرنویسی را ارج نهاده است. روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار را باید یکی از مهم‌ترین منابع قاجار پژوهی دانست. روزنوشت‌های او و آشنایی با افکار، روایات، عادات و روند تصمیم‌گیری‌های او به درک بهتر حوادث آن دوره کمک قابل توجهی می‌کند. با استناد به شواهد تاریخی، ناصرالدین شاه از سال‌های ابتدایی دوران سلطنت خود شروع به ثبت و ضبط وقایع روزانه خود کرده است. بنا به تحقیقات مجید عبدامین، قدیمی‌ترین روزنامه‌خاطراتی که از ناصرالدین شاه مشاهده شده مربوط به ربیع‌الثانی ۱۲۶۵ است و آخرین برگ از خاطرات روزانه او مربوط به ۴۸ ساعت قبل از ترور او در ۱۷ ذیحجه ۱۳۱۳ است. او هم کتاب‌دار بود و هم کتاب‌خوان و هم سعی بر آن داشته که آثار مکتوبی از خود برجای گذارد. به همین جهت ناصرالدین شاه را یکی از سلاطین پُرنویس و اهل فضل و ادب می‌دانند. «روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار» که تاکنون ۸ جلد از آن منتشر شده، مجموعه‌ای است ارزشمند و نفیس که به همت بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار و نشر سخن و به کوشش مجید و تصحیح عبدامین منتشر شده و بخشی از تاریخ ایران را از قلم یکی از شناخته‌شده‌ترین پادشاهان آن بازگو می‌کند. اولین مجلد از روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه وقایع



روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار
محرم ۱۲۷۹ - ربیع‌الاول ۱۲۸۳ (جلد اول)
به‌کوشش مجید عبدامین، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار / ۷۴۳ صفحه / ۳۷۰ هزار تومان

درپچه: تحلیل عادات

قانون پارکینسون

جلوگیری از هدر رفتن زمان



حسن محرابی
پژوهش‌گر

پس از حذف تیم ملی فوتبال ایران از جام جهانی و بازگشت این تیم به ایران با برخی از کارشناسان در مورد آینده فوتبال ایران گفت‌وگو شد. مجید جلالی به نکته خوبی اشاره کرد و گفت مربی تیم مهم نیست، مسا باید یک برنامه چهار ساله برای فوتبال داشته باشیم و آن مربی را برای این برنامه چهار ساله انتخاب کنیم. او هم چنین اشاره کرد که تیم فوتبال زاین برنامه ۴۰ ساله دارد تا قهرمان جام جهانی شود. واقعیت این است که برنامه‌ریزی برای بلند مدت کار خوبی است اما در همه کشورها جواب نمی‌دهد. بررسی‌ها نشان داده در مورد بسیاری از فعالیت‌ها، ما وقتی فرصت کمی داریم، می‌توانیم خیلی از کارها را به سرعت تمام کنیم اما اگر ضرب‌الاجل وجود نداشته و زمان طولانی‌تری در اختیار داشته باشیم، همان کار خیلی بیشتر طول می‌کشد. این پدیده در جوامع مختلف سابقه داشته و به عنوان قانون پارکینسون نامیده می‌شود. بر مبنای این قاعده «کار آن قدر گسترش می‌یابد تا زمان در دسترس برای تکمیل آن پر شود.» برای مثال اشاره می‌شود که تصور کنید دوست‌تان برای ناهار به خانه شما می‌آید و می‌خواهد قیل از رسیدن او خانه را تمیز کنید. شما چون ضرب‌الاجل دارید می‌توانید مقدار زیادی از خانه را در زمان بسیار کمی تمیز کنید! اما از سوی دیگر، اگر کل روز را تعطیل و برای تمیز کردن خانه فرصت داشته باشید، تمیز کردن خانه هم زمان بیشتری طول می‌کشد!

امروزه موسسات بزرگ در برخی از کشورهای کمتر توسعه یافته اغلب با این مشکل دست‌وپنجه نرم می‌کنند. به‌ویژه کارمندانی که ساعتی دست‌مزد دریافت می‌کنند، ممکن است زمان بسیار زیادی را برای انجام کارهایی که می‌توانند بسیار کارآمدتر انجام دهند، صرف می‌کنند. تعجب‌برانگیزتر آن‌که حتی برخی از شرکت‌ها به کارکنانی که تا دیروقت در محل کارشان می‌مانند، پاداش می‌دهند! حتی اگر خروجی کارشان با کارمندانی که زودتر کار انجام می‌دهند، یک‌سان باشد! به همین جهت است که سازمان‌های مدرن و پیشرفته برای سرعت بخشیدن به کار برنامه‌ریزی می‌کنند. مثلاً استیو جابز، یکی از بنیان‌گذاران اپل، کارمندانش را تحت فشار قرار داد تا در مهلت‌های بسیار تنگ کار خود را به پایان برسانند. او به مهندسان اصلی آیفون تنها دو هفته فرصت داد تا در اوایل سال ۲۰۰۵ میلادی «چشم‌انداز نرم‌افزاری» را برای شرکت ارائه دهند.

تاریخچه قاعده پارکینسون

سیریل نورث‌کوت پارکینسون، مورخ و نویسنده نیروی دریایی بریتانیا، براساس تجربه خود در خدمات دولتی بریتانیا مشاهده کرد که «کار به‌گونه‌ای گسترش می‌یابد که زمان در دسترس برای تکمیل آن پر شود.» قانون پارکینسون اولین بار در مقاله‌ای سال ۱۹۵۵ تبیین و در نشریه «اکونومیست» منتشر شد. پارکینسون توضیحات مربوط به این اصل و قاعده را در کتاب «قانون پارکینسون» و «مطالعات دیگری در مدیریت» که هر دو سال ۱۹۵۷ منتشر شدند، گسترش داد. در حقیقت به صورت کلی قانون پارکینسون تمایل به افزایش مقدار کار مورد نیاز برای مصرف کردن امکاناتی است که در دسترس افراد گذاشته می‌شود. به بیان دیگر مهم نیست که چقدر منابع شما گسترده است، با این شیوه کار کردن تقاضا برای استفاده از آن منابع (یکی از آن‌ها زمان است) افزایش می‌یابد تا اطمینان حاصل شود که تمامی آن منابع مصرف می‌شوند! قانون پارکینسون برای بسیاری از زمینه‌های فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، از جمله مدیریت پروژه، مدیریت زمان، تخصیص منابع، برنامه‌ریزی، ظرفیت ذخیره‌سازی و تجزیه و تحلیل نیازمندی‌ها، پیامدهایی دارد. از نگاهی دیگر با اتکا به ادبیات فارسی می‌توان در مورد قانون پارکینسون اشاره کرد که وقتی امکانات باشد، زمان نیز موجود باشد، ممکن است برخی به ضرب‌المثل «عجله کار شیطان است» بیش‌تر اتکا کنند! بنابراین در ابتدا برای هرگونه برنامه‌ریزی، غلبه بر قانون پارکینسون ضروری است. زیرا باید کنترل زمان را در دست گرفت و از امکانات به‌ترین وجه استفاده کرد و به منظور حمایت از آیندگان به فکر ذخیره‌سازی منابع برای آن‌ها نیز باشیم.